

سیر تشریح حجاب در قرآن کریم^۱

فاطمه فاکر^۲

محمد فاکرمیلدی^۳

چکیده

مسئله حجاب یکی از موضوعات بسیار مهم و حساس جامعه اسلامی است که از سده نخستین ظهور اسلام تا به امروز مورد توجه دانشمندان اسلامی به خصوص فقها، مفسران، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان بوده است. قرآن کریم نیز این مهم را مورد اهتمام خود قرار داده و در آیات متعدد و به مناسبت‌های مختلف، به آن پرداخته است، ضمن این‌که قرآن در خلال آیات مربوط به اصل تشریح حجاب، جایگاه، احکام و فلسفه آن نیز اشاره کرده است. این مقاله در صدد آن است که مسئله حجاب را از نظرگاه قرآن با استمداد از روایات به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی و تحقیق قرار دهد تا این بحث اساسی از نگاه مهم‌ترین مصدر تشریح اسلامی تبیین شود. در این نوشتار روشن می‌شود که حجاب با قطع نظر از کمیت و کیفیت آن، یک امر مسلم در دین مبین اسلام است و رعایت آن بر زن و مرد لازم است. ضمن آن‌که قرآن در مراحل تشریح حجاب به دو ویژگی توجه داشته است؛ نخست آن‌که رعایت این مهم را از خانواده خود پیامبر ﷺ آغاز و سپس به درون جامعه تسری داده است و دیگر ویژگی آن، تدریج، یعنی شروع از مرحله آسان به مرحله دشوار است. در نهایت خداوند در قرآن اعلام می‌کند که آثار این پایبندی به حکم الهی، به سود خود جامعه و تضمین‌کننده سلامت جامعه بشری است.

واژه‌های کلیدی: حجاب، زینت، تبرج، تشریح، قرآن کریم.

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۳۱

۲. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان قم، پردیس حضرت معصومه (ع) fatemehfaker1379@gmail.com

۳. استاد تمام گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفیٰ (ع) العالمیه m.faker@miu.ac.ir

مقدمه

قرآن حکیم در چندین آیه از حجاب و مراحل تشریح آن در زمان های گوناگون سخن به میان آورده است. از زمان های گذشته تاکنون، رعایت حجاب و عفاف مورد توجه ادیان بوده است، اما با بعثت پیامبر ﷺ و رواج مسأله حجاب، بسیاری از عیوب و گناهایی که میان مردم مفهومی نداشت، شناخته شده و مردم با رعایت پوشش مناسب، روز به روز به حجاب قرآنی- اسلامی نزدیک تر شدند. با توجه به رعایت اعتدال در دین اسلام، حکم حجاب تنها به زنان اختصاص نیافته، بلکه خداوند آن را برای مردان نیز قائل است، البته برای هر کدام، حد و مرزی در نظر گرفته شده است. با وجود اهمیت مسأله حجاب به خصوص در جوامع اسلامی، هنوز این موضوع برای بسیاری از افراد به خوبی شفاف سازی نشده است و مردم به طور دقیق با پیدایش حجاب و مراحل آن، آشنایی کافی ندارند.

مسأله حجاب و تغییرات آن در گذر زمان، موجب بروز شبهات زیادی شده است که برای پاسخ به این شبهات، افزایش آگاهی و نیز فرهنگ سازی بهتر این موضوع، مقالات و کتب مختلف و زیادی توسط محققان و پژوهشگران به رشته تحریر در آمده است. باید توجه داشت که گرچه موضوع حجاب اسلامی از صدر اسلام تاکنون در منابع اسلامی به خصوص منابع حدیثی و تفاسیر قرآن کریم از جمله تفسیر المیزان، تألیف علامه سید محمد حسین طباطبایی و تفسیر نمونه، نوشته آیت الله ناصر مکارم شیرازی و همکاران ایشان مطرح بوده است، اما تدوین کتابی مستقل در این باره دست کم تا وقوع انقلاب اسلامی چندان مورد توجه نبوده است. پس از انقلاب اسلامی، به دلیل بروز شبهات و مسائل مختلف درباره حجاب، به این مهم توجه بیشتری شد و کتاب های مختلفی عرضه شده است که به معرفی اجمالی برخی از آن ها بسنده می شود:

۱. کتاب «مسأله حجاب» نوشته استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری؛ این کتاب در ظاهر اولین اثر ارزنده در این زمینه است. اصل این کتاب از آثار پیش از انقلاب است که پس از انقلاب اسلامی، مکرر به چاپ رسیده است. در سال ۱۳۷۹ به پنجاه و دو چاپ و در سال ۱۳۹۸ به یکصد و بیست و یک چاپ،

توسط انتشارات صدرا رسید.

۲. کتاب «حجاب از دیدگاه قرآن و سنت» نگارش فتحیه فتاحی زاده که توسط بوستان کتاب قم منتشر شده است. این اثر در حقیقت پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی در دانشگاه تهران است که با راهنمایی حجت الاسلام دکتر سید محمدباقر حجتی در ۱۳۷۲ نگاشته شده است.

۳. کتاب «پوشش اسلامی، چالش‌ها و راهکارها»، نوشته آقای حسن بنیانیان. این اثر در سال ۱۳۹۳ توسط انتشارات سوره مهر برای نوبت سوم و در قطع رقعی به چاپ رسیده است.

۴. کتاب «عفاف و حجاب در سبک زندگی ایرانی-اسلامی» که گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله سیدعلی خامنه‌ای (مدظله) است که به کوشش امیر حسین بانکی جمع‌آوری شده است.

همچنین مقالات متعددی در این باره نگاشته شده است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. «حجاب در قرآن»، نوشته سید جعفر شهیدی، نشر در مجله پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۸۰، شماره ۲۵ و ۲۶.

۲. «روش قرآن در طرح مسأله حجاب»، نوشته مریم حاجی عبدالباقی، منتشر شده در مجله نامه الهیات آزاد، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۱.

۳. «گستره حجاب در قرآن»، فرزانه غفاری، چاپ شده در مجله بینات، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۷۴.

۴. «پوشش زنان در ادیان توحیدی شبه جزیره در صدر اسلام»، نوشته مه‌راب صادق‌نیا، منتشر شده در مجله سفینه، تابستان ۱۳۹۸، شماره ۶۳.

در این نوشتار کوشش شده است که مسأله حجاب و مراحل تشریح آن از دیدگاه قرآن با استمداد از روایات به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد تا این بحث اساسی از نگاه مهم‌ترین مصدر تشریح اسلامی تبیین شود. رعایت حجاب و عفاف امری ضروری بر زنان و مردان است که رعایت آن موجب تأمین امنیت و سلامت فرد و جامعه است.

۱. مفهوم‌شناسی حجاب

حجاب از ریشه حجب است. اهل کتاب معنای حجاب را این‌گونه بیان کرده‌اند: «پرده، چادر، روپوش و روپند» (ر.ک. عمید، ۱۳۴۲، ص ۴۱۸). معانی پرده، ستر، نقابی که زنان چهره خود را بدان می‌پوشانند، روبند، برقع، چادری که زنان سر تا پای خود را بدان می‌پوشانند، غشا، کدورت دل، زنگ دل، هوای نفسانی، علاقه به دنیا نیز برای این واژه ذکر شده است (ر.ک. معین، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۳۴). شهید بزرگوار استاد مطهری درباره تعریف واژه حجاب می‌گوید:

«کلمه حجاب هم به معنای پوشیدن است و هم به معنای پرده و حاجب. بیشتر، استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۷۲).

۲. کاربرد واژه حجاب در قرآن کریم

درباره واژگان به کار رفته در قرآن هر چند ممکن است کاربرد آن در لغت و تفسیر یکسان باشد، اما در همه جا و همیشه این طور نیست. از جمله همین واژه حجاب که بحث از موضوع آن با کاربردش در قرآن متفاوت است. کلمه حجاب در قرآن کریم بارها به کار رفته است، ولی به نظر می‌رسد در تمام موارد به معنای مانع شدن یک چیز بین دو چیز دیگر است، چنانکه خداوند درباره گونه‌ای از وحی می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ﴾ (شوری: ۵۱)، در این آیه شریفه بین خداوند که متکلم است و حضرت موسی عليه السلام که شنونده است، درخت، آتش و یا یک واسطه دیگر بود. همچنین حجاب در این آیه به معنی فاصله و مانع میان بهشتیان و دوزخیان است: ﴿وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ (اعراف: ۴۶). درباره تقاضا و سؤال از همسران پیامبر صلى الله عليه وآله نیز در قرآن آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ (احزاب: ۵۳). این آیه بیان می‌کند که هرگاه قصد دارید چیزی را از

پیامبر ﷺ درخواست کنید، خواه سؤال مادی باشد و یا سؤال علمی، نباید به صورت مباشر و مستقیم با ایشان صحبت کنید، بلکه باید از پشت حجاب و مانع باشد. این موضوع در آیه شریفه ﴿ وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكْثَنِ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ ﴾ (فصلت: ۵) نیز به این معناست که بین آن‌ها و پیامبر ﷺ حاجز و مانعی از قبول دعوت ایشان است.

آن چه در این جا مورد بحث است، موضوع حجاب است که از جهت لغت به همان معنی مانع بین دو چیز است؛ یکی نگاه ناظر و دیگری سطح ظاهر که مصداق بارز آن صورت و زینت زن است. ضرورت دارد که مسأله حجاب به لحاظ معنا، جایگاه، فلسفه و مراحل تشریح و حکم آن مورد بررسی قرار گیرد.

۳. تاریخچه حجاب

برای این که بتوانیم به خوبی موقعیت و جایگاه حجاب را در اسلام دریابیم، ضرورت دارد تا اندکی به گذشته و قبل از اسلام نظر بینکنیم و از احوال و اوضاع زمان های قدیم آگاهی داشته باشیم؛ این مسأله می تواند ما را در مقایسه ای درست و نتیجه گیری مطلوب، رهنمون سازد. شهید مطهری در این باره می نویسد:

«در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند، حجاب وجود داشته که از آن چه در قانون اسلام آمده، سخت تر بوده است. اما در جاهلیت عرب حجاب وجود نداشته است و به وسیله اسلام در عرب پیدا شده است» (مطهری: ۱۳۷۹، ص ۱۹).

ایشان به نقل از ویل دورانت درباره یهود و قانون تلمود می نویسد:

«اگر زنی به نقص قانون یهود می پرداخت، چنان که مثلاً بی آن که چیزی بر سر داشت به میان مردم می رفت و یا در شارع عام نخ می رشت یا با هر سنخی از مردان درد و دل می کرد یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می کرد، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق

داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد» (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۳۰، به نقل از مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۳-۲۴).

و نیز می افزاید:

«در ایران باستان و در میان قوم یهود قوانین سختی وجود داشته است، به گونه ای که زن حیض را در اتاقی محبوس می کردند و همه از او در مدت عادت زنانگی دوری می جستند و از معاشرت با او پرهیز داشتند و همین قوانین سخت سبب پیدایش حجاب در آن ایام بوده است» (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲، به نقل از مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۳-۲۴).

شهید مطهری سپس با اشاره به احکام آیین اسلام در این باره می گوید که در احکام اسلامی هیچ کدام از مقررات سخت آن زمان درباره زن حیض که پیش از این به آن اشاره کردیم وجود ندارد. در هیچ کجای احکام دین اسلام، زن حیض از معاشرت منع نشده است، تنها زنان در بعضی از امور واجب همچون نماز و روزه معاف شده اند که اگر این طور نبود، سبب بیماری روحی و افسردگی آنان می شد و حکمت خداوند زیر سؤال می رفت، در صورتی که هیچ کار خدا بی دلیل نیست و به یقین این مسأله، نمی تواند دلیل محکمی برای پوشش و حجاب باشد. همچنین بر خلاف قوم یهود که خیلی آیین سخت گیرانه و شدیددی داشتند، عرب ها این گونه نبودند (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۴). ایشان سپس با استناد به سخن ویل دورانت می نویسد:

«همه طبقات، زیورهایی داشتند. زنان پیکر خود را به نیم تنه و کمربند براق و جامه گشاد و رنگارنگ می آراستند و غالباً خود را با جواهر و گل زینت می دادند». وی می افزاید: «عکس این گونه افراد زمانی پیدا شد که آیات سوره نور نازل شد به گونه ای که عایشه زنان انصار را این چنین ستایش می کرد: مرحباً به زنان انصار. همین که آیات سوره نور نازل شد، یک نفر از آنان دیده نشد که مانند سابق بیرون بیاید. سر خود را با روسری های بلند مشکی می پوشیدند. گویی کلاغ روی سرشان نشسته است» (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۱، ص ۱۱۲، به نقل از مطهری، مسأله حجاب، ۱۳۷۹، ص ۲۴).

وی در ادامه می‌نویسد که بر خلاف زنان عرب که رسم حجاب در میان آنان وجود نداشت، در هند، حجاب سختی حکم فرما بود، ولی معلوم نیست قبل از نفوذ اسلام بوده است یا بعد از آن (همان، ص ۲۵).

۴. سیر تشریح حجاب در قرآن کریم

با توجه به این که مراحل تشریح احکام چه در موضوع حجاب و یا سایر موضوعات دیگر باید بر اساس ترتیب نزول بررسی شود، نه ترتیب موجود در قرآن، بنابراین باید ابتدا ترتیب نزول آیات حجاب مشخص شود. با توجه به گزارش‌های تاریخ قرآن، سوره احزاب در ترتیب نزول، سوره نود و سوم قرآن و سوره نور یکصد و سومین سوره قرآن و هر دو از سوره‌های مدنی هستند، در نتیجه نزول سوره نور پس از سوره احزاب است. ترتیب آیات حجاب در سوره‌ها و آیات مربوط به تشریح حجاب به شرح زیر است:

۱. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...» (نور: ۳۰).
۲. «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...» (نور: ۳۱).
۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَ...» (نور: ۵۸).
۴. «فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (نور: ۵۹).
۵. «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ...» (احزاب: ۳۲).
۶. «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» (احزاب: ۳۳).
۷. «إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ» (احزاب: ۵۳).
۸. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ...» (احزاب: ۵۹).

ملاحظه می‌شود که موضوع حجاب، ابتدا از خانواده پیامبر ﷺ شروع شد، پس از آن به درون جامعه تعمیم یافت و سپس به درون خانه مؤمنین ختم شد. بنابراین آیات هشتگانه حجاب را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول؛ آیات خطاب به جامعه ایمانی. دسته دوم؛ آیات مشترک میان خانواده پیامبر ﷺ و مردم. دسته سوم؛ آیات خطاب به همسران پیامبر ﷺ. این

مسأله گرچه از این جهت اهمیت دارد، اما آن چه در این جا مهم تر است، ترتیب نزول آیات حجاب است که در ادامه بحث به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۴. آیه پرهیز از نرمش در سخن گفتن زن

یکی از مصادیق عفاف، رعایت حدود در سخن گفتن و پرهیز از نرمش صدا و سخن گفتن هوس انگیز است. قرآن کریم خطاب به همسران نبی مکرم اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (احزاب: ۳۲)؛ ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از آنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته نگویند. این آیه نیاز به بررسی‌های گسترده‌ی تفسیری، فقهی، اخلاقی، اجتماعی و جامعه‌شناختی دارد که در این جا به ذکر چند نکته مرتبط با بحث حجاب بسنده می‌شود:

۱.۱.۴. جایگاه ویژه زنان پیامبر ﷺ

خدای سبحان در صدر آیه جایگاه عظیم و تأثیرگذار همسران پیامبر ﷺ به خاطر مسئولیت سنگینی که بر عهده دارند را گوشزد می‌کند و آن‌ها را الگویی برای دیگران می‌داند؛ به همین دلیل از آن‌ها می‌خواهد که تقوای الهی پیشه کنند. البته این بدان معنا نیست که زنان پیامبر ﷺ با دیگر زنان در حکم و نتیجه این دستور متفاوت اند، بلکه ایشان در کنار پیامبر ﷺ و در کانون وحی بودند، آیات قرآن کریم را می‌شنیدند و با تعلیمات اسلام و دستورات الهی آشنا بودند، همین جایگاه خاص آنان موجب شد که سرمشقی برای همه زنان باشند، چه در مسیر تقوا و چه در مسیر گناه. (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۷، ص ۲۸۸).

۲.۱.۴. تسری حکم آیه از زنان پیامبر ﷺ به زنان جامعه

آیه شریفه با خطاب خاص به همسران پیامبر ﷺ آغاز شده، اما نتیجه و تعلیل آن بیانگر یک قانون عمومی است که می‌فرماید: ﴿فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾. گرچه اثر سوء رفتار نابهنجار همسران و بستگان پیامبر ﷺ و بزرگان دین به لحاظ تأثیرگذاری بیشتر است و حتی خطای آن‌ها چند برابر محاسبه می‌شود، آن چنان که در قرآن ذکر شده است: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ

مِنْكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ» (احزاب: ۳۰)، اما به لحاظ کمی، نسبت به افراد عادی جامعه کم تر رخ می دهد. از این رو خطاب متوجه آنان، بیانگر عدم مصونیت همسران پیامبر ﷺ و بستگان بزرگان دین در دنیا و آخرت است.

۳.۱.۴. خضوع در کلام

در این آیه نهی از خضوع در سخن و تعلیل طمع ورزی بیمار دلان بیان شده است: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ». خضع دو معنی دارد؛ یکی آرامش و سکون و دیگری صوتی است که با نرمی و فروتنی همراه باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۸۹). راغب اصفهانی در معنی خضوع می نویسد: «خُضُّوعٌ بِأَخْشَوْعٍ دَارَايٌ يَكُ مَعْنَى اسْتِوْا و آن فروافتادگی و نرمی است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۰۸). در تفسیر این آیه بیان شده است که خضوع در سخن، یعنی آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کردن و نرمش کلامی با مردان [اجنبی] به گونه ای که موجب اضطراب در نفس و تحریک شهوت شود. در این صورت بیمار دلان یعنی کسانی که فاقد ایمان قوی هستند و میل به فحشا دارند، نسبت به زنانی که با مردان لینت کلام و خضوع در سخن دارند، طمع می ورزند و خیال های شیطانی در سر می پروراند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۰۹). برخی دیگر از مفسران، در تفسیر «فَلَا تَخْضَعْنَ» گفته اند که مراد این است که زن نباید به گونه ای هوس انگیز سخن بگوید؛ زیرا بیمار دلان در آنان طمع می کنند، بلکه به هنگام سخن گفتن باید جدی و خشک باشند و به طور معمولی سخن بگویند، نه همچون زنان کم شخصیت که سعی دارند با تعبیرات تحریک کننده که گاه توأم با ادا و اطوار خاصی است سخن بگویند و افراد شهوت ران را به فکر گناه می اندازند (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۲۸۹).

این که قرآن طمع بیمار دلان را گوشزد کرد، اما متعلق طمع را بیان نکرد، به دلیل احترام به پیامبر ﷺ است. در حالی که طمع بیمار دل نسبت به زنی که با ناز و کرشمه سخن بگوید و با ادا و اطوار برخورد کند، چیزی جز آلودگی به گناه و ارتباط نامشروع نیست.

۴.۱.۴. خوب سخن گفتن و سخن خوب گفتن

قرآن در انتهای آیه دو توصیه مهم دارد؛ یکی سخن معروف گفتن و دیگری رعایت تقوا. یکی از جلوه های شخصیت زن، کیفیت سخن گفتن اوست. سخنان انسان باید هم دارای

محتوا باشد و هم کیفیت و اگر هر کدام را به نوعی نداشته باشد، مورد رضای خدا سخن نگفته است. کیفیت سخن گفتن باید دو شرط داشته باشد: اول این که تحریک کننده مردان بیمار دل و چشم چران نباشد و دوم این که مورد رضایت خدا و در مسیر حق و عدالت باشد (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۲۸۹). زن باید در برخورد با مردان هم سخن خوب بگوید و هم خوب سخن بگوید که مطابق شرع و عرف اسلامی باشد، در حقیقت جمله «لَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ» اشاره به کیفیت سخن و جمله «قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» اشاره به محتوای سخن دارد.

۵.۱.۴. تأمین امنیت و سلامت

هرچند حکم این آیه به حسب ظاهر محدودیت برای زن است، اما در حقیقت ایمن سازی جامعه از گسترش بیماری های اخلاقی است. این مسأله درست همانند زدن ماسک بر صورت در روزگار شیوع کرونا است که افراد با محدود کردن خود، ایمنی خود و سلامت جامعه را تأمین می کنند و کسی حق ندارد بگوید چرا من خودم را محدود کنم تا دیگران سالم بمانند؟ رعایت عفاف و حجاب یک حق اجتماعی است، گرچه برخی نپذیرند که فلسفه اصلی آن، سلامت و ایمنی است، نه محدودیت. وانگهی اگر محدودیتی هم در کار باشد، یک سویه نیست؛ زیرا در مرحله نخست، محدودیت برای آلودگان، چشم چران ها، شهوت ران ها، بی بند بارها و هنجارشکنان است.

۲.۴. آیه تبرج و خودنمایی

نهی از تبرج و خودنمایی مهم ترین دستور خداوند به زنان در رعایت عفاف است. قرآن در آخرین آیه مربوط به حجاب، بر اساس چنین قرآنی می فرماید:

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِنَّ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳)؛ و در خانه های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و خدا و رسولش را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

این آیه از بُعد اعتقادی و ولایی به آیه تطهیر معروف است، البته در بینش شیعه عبارت «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» به عنوان آیه تطهیر نامبردار است، نه همه آیه و این مهم ترین دلیل بر عصمت اهل بیت علیهم السلام است. اما از بُعد اجتماعی و حجاب پژوهی، قسمت نخست آن به آیه تبرج مشهور است که به بررسی نکات آن می پردازیم:

۱. کلمه بُرْج دارای دو معنی است: اول ظهور و بُروز که تبرج زن به معنی نشان دادن زیبایی های خود از همین معنا گرفته شده است. معنای دوم، ملجأ، حصن و قصر است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق؛ جوهری، ۱۳۷۶). ذیل ماده برج). برخی مفسران معتقدند که تبرج یعنی ظاهر شدن برای مردم، همانند نمایان شدن بُرج بر کسانی که به آن می نگرند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۰۹). ابن عاشور می گوید که مراد از تبرج این است که زن زیبایی های ذاتی، لباس های زیبا و زیورآلات خود را برای مردان آشکار کند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۲۴۴). وی در جای دیگر می نویسد: «تبرج، مکشوف کردن مستوراتی است که به عادت پوشیده است و تبرج به زینت این است که زن، خود را به اموری که مرسوم نیست، مثل استعمال رنگ های سرخ و سفید مزین کند یا بدون جلباب (چادر یا مقنعه) از منزل خارج شود» (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۲۱۸).

۲. تشبیه به برج در این آیه با توجه به فلسفه برج های جهان در روزگار قدیم و حاضر به خوبی معلوم می شود؛ وقتی کسی وارد شهر و منطقه ای شود، اولین چیزی که برای وی چشم نواز است، برج است. از این رو هرگاه زن آرایش کرده و مزین وارد جمعی شود، همانند برجی است که همه نگاه ها متوجه او می شود.

۳. آیه کریمه، تبرج مورد نهی را متصف به جاهلیت و آن هم جاهلیت اولی کرده است. در این که مراد از جاهلیت اولی چیست، نظرات متفاوتی بیان شده است. علامه طباطبایی معتقد است که مقصود از جاهلیت اولی، جاهلیت قبل از بعثت است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۰۹). برخی دیگر بیان می کنند که منظور از جاهلیت اولی، همان جاهلیت مقارن با عصر پیامبر صلی الله علیه و آله است که به نقل از تاریخ در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند و دنباله روسری های خود را به پشت سر می انداختند، به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردن بند و گوشواره های آنان آشکار بود. به این ترتیب قرآن همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را از این گونه اعمال باز می دارد (مکارم

شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۲۹۰). باید به این نکته نیز توجه داشت که بازگشت پوشش زنان جامعه امروزی به آن وضعیت و بلکه بدتر از آن، نوعی جاهلیت مدرن است.

۳.۴. آیه درخواست متاع از زنان پیامبر ﷺ

قرآن درباره تقاضا و سؤال از همسران پیامبر ﷺ فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب: ۵۳)؛ هرگاه قصد دارید چیزی را از پیامبر ﷺ درخواست کنید، خواه سؤال مالی و مادی و یا سؤال علمی، نباید به صورت مباشر و مستقیم با آنان صحبت کنید، بلکه از پشت حجاب و مانع باشد. بنابر دیدگاه اهل لغت مراد از مَتَاع، هر آن چیزی است که انسان از آن نفع می برد؛ مثل طعام، لباس و لوازم منزل (فیومی، ۱۴۱۴ق. ذیل ماده متع). نکته مهمی که در این باره وجود دارد این است که قرارگرفتن همسران پیامبر ﷺ پشت پرده حجاب، هم برای سائلان پاک تر است و هم برای مسئولان که همسران پیامبر ﷺ باشند، یعنی با ندیدن یکدیگر هیچ شائبه ای در بین نخواهد بود.

۴.۴. آیه جلباب

مهم ترین آیه در زمینه ی حجاب آیه ی جلباب است. خداوند در این آیه می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (احزاب: ۵۹)؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو؛ روسری های بلند خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است. در تبیین معنای آیه، چند مطلب اساسی وجود دارد که به شرح آن ها خواهیم پرداخت.

واژه «یدنین» فعل مضارع از باب افعال و از ریشه «دُنُو» به معنی قرب و نزدیکی است. در نتیجه معنی آیه این است که زنان نباید جلباب خود را رها کنند تا بدنشان نمایان شود، بلکه باید جلبابشان را به خود بیچند تا شناخته نشوند. ضمن این که خداوند در آیه فرمود: «مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ»، ممکن است سؤال شود که «مِنْ» در این جا به چه معنی است؟ برای این تعبیر دو

وجه متصور است: یکی این که زن دو جلباب داشته باشد و بعضی از آن‌ها را به هنگام خروج از منزل استفاده کند؛ دوم این که بدن خود را با قسمتی از جلباب بپوشاند و با قسمت دیگر صورت خود را بپوشاند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۶۰).

در این که واژه جلباب به چه معنی است و به چه نوع لباسی جلباب می‌گویند، سخن بسیار است. جلابیب جمع جلباب است. برخی آن را قمیص (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ذیل ماده جلباب) و بعضی آن را جامه ای بزرگ‌تر از چارقد و کوچک‌تر از عبا که زن به وسیله آن سر و سینه خود را می‌پوشاند، معنی کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۳۲). برخی معنای این واژه را اِزَّارِی که تمام بدن را می‌پوشاند و نیز لباس شب که نائم (کسی که خوابیده) سرش را با آن می‌پوشاند، دانسته‌اند. بعضی از لغت‌شناسان قرآن پژوه نیز جلباب را به پیراهن (قمیص) و مقنعه (خُمُر) معنی کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ذیل ماده جلب). معانی ملحفه (روکش سراسری) (جوهری، ۱۳۷۶، ذیل ماده جلب) و آزار و رداء نیز برای این واژه آمده است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۸۳). ملاحظه می‌شود که واژه جلباب در لغت به قمیص، لباس بزرگ، ازار، ملحفه، رداء و عبا معنی شده است. مفسران نیز چند تفسیر برای جلباب ارائه کرده‌اند:

الف) برخی آن را به مقنعه تفسیر کرده‌اند که سر و پیشانی را می‌پوشاند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۸۰). علامه طباطبایی بعد از نقل این معنی می‌افزاید: «با این نوع لباس، گریبان، محل یقه و سینه زن پوشیده می‌ماند» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۴۰).

ب) بعضی آن را به لباس، پیراهن و چادر تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۸۰).

ج) برخی از مفسران جلباب را به پیراهن سراسری (روپوش، مانتوی امروزی) که تمام بدن زن را می‌پوشاند، تفسیر کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۴۰).

د) ملحفه (چادر) معنی چهارمی است که از در تفاسیر بیان شده است. این پوشش پارچه بزرگی است که از روسری بلندتر و از چادر کوچک‌تر است و سر و گردن و سینه‌ها را می‌پوشاند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۲۸). این دیدگاه با معنی لغوی نیز سازگار است، ضمن این که اصل این پوشش برای بیرون خانه و در برابر چشمان مردان نامحرم است.

قرآن کریم در بیان حکمت این نوع پوشش می‌فرماید: «ذَلِكَ أَذُنِي أُنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ»؛

یعنی جلبابتان را به خود نزدیک کنید و بر گریبان بیندازید تا شناخته نشوید و در نتیجه مورد آزار قرار نگیرید. در این‌که منظور از شناخته شدن چیست؟ مفسران دو نظر بیان داشته‌اند: نخست این‌که در آن زمان معمول بوده است که کنیزان بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون می‌آمدند و از آن‌جا که از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند، گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آن‌ها می‌شدند. در این‌جا به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزان شناخته شوند و بهانه‌ای برای مزاحمت به دست هرزگان ندهند. بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که اوباش حق داشتند مزاحم کنیزان شوند، بلکه منظور این است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند. همچنین آیه حکم می‌دهد که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب، سهل‌انگار و بی‌اعتنا نباشند؛ مثل بعضی از زنان بی‌بند و بار که در عین داشتن حجاب، آن‌چنان بی‌پروا و لاپرواہی هستند که غالباً قسمت‌هایی از بدن‌های آنان نمایان است و همین امر، توجه افراد هرزه را به آن‌ها جلب می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۲۸-۴۲۷). بدیهی است هنگامی که زنان با چادر و پوشش مناسب در برابر نامحرمان قرار بگیرند، از چشم چرانی مردان هوس‌باز در امان هستند، اما خودنمایی برخی از زنان سبب جلب توجه مردان ضعیف‌النفس می‌شود و سرانجام هر دو با اطاعت از شیطان نفس، دست به گناه می‌زنند.

۵.۴. آیات متضمن حکم حجاب انسانی و مطالعات فربنگی

به ترتیب چینش سوره‌های قرآن، اولین آیات متضمن حکم حجاب، آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور هستند که مشتمل بر چندین حکم درباره رعایت حجاب و عفاف هستند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِجُمُرِهِنَّ عَلَى جُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِزْتِمَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْطِفْلِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا

يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (نور: ۳۰-۳۱)؛ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آن چه انجام می‌دهید، آگاه است. و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نکنند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا کنیزانشان، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانیشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد). و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید!

در این آیه احکامی درباره کنترل نگاه، پوشش عورت، پنهان کردن زینت آشکار، نحوه پوشش، معرفی محارم و آشکار نکردن زینت پا آمده است که به بررسی هرکدام می‌پردازیم.

۱.۵.۴. فروبستن چشم

خداوند در عبارت‌های ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ و ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...﴾، به مردان و زنان مؤمن دستور می‌دهد تا چشمان خود را در برابر مردان فرو بندند. بنابر دیدگاه برخی صاحب نظران لغت، غَضُّ دارای دو معنی است؛ یکی کوتاه کردن نگاه و صدا و دیگری طراوت (فیومی، ۱۴۱۴ق؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ذیل ماده غَضُّ). راغب نیز همین معنی را آورده است و بر غَضُّ صدا به این آیه استناد کرده است که می‌فرماید: ﴿وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾ (لقمان: ۱۹)؛ از صدای خود بکاه (راغب اصفهانی، مفردات، ۱۴۱۲، ذیل ماده غَضُّ). لازم به ذکر است که خطاب به مؤمنان اعم از زن و مرد در این تکلیف، نه به خاطر مکلف نبودن غیرمؤمنان است، بلکه به دلیل حرمت ایمانی است که مؤمنان تحصیل کرده‌اند. همچنین از این دو آیه دریافت می‌شود که وظایف زنان و مردان در برخورد با یکدیگر این است که هر مسلمان، چه مرد و چه زن، باید از چشم چرانی و نظر بازی اجتناب کند.

۲.۵.۴. نهی از آشکار ساختن زینت

خداوند در عبارت «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، زنان را از آشکار کردن زینت خود، نهی کرده است، البته همراه با یک استثنا. واژه زینت در اصل کلمه‌ای عربی است و در لغت به معنای زیبایی و آراستگی و در مقابل شین به معنای عیب و زشتی است (فیومی، ۱۴۱۴ق). ذیل ماده زین). البته این کلمه در فرهنگ فارسی نیز کاربرد دارد و به معنای آرایش، پیرایه، زیور و آن چه با آن آرایش کنند، است (عمید، ۱۳۴۲، ص ۵۸۴).

شهید مطهری درباره مفهوم زینت می‌نویسد:

«کلمه زینت در عربی، اعم از کلمه زیور فارسی است، زیرا زیور به زینت‌هایی گفته می‌شود که از بدن جدا است؛ مانند طلاآلات و جواهرات، ولی کلمه زینت هم به این دسته گفته می‌شود و هم به آرایش‌هایی که به بدن متصل است؛ نظیر سرمه و خضاب» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۳۱).

کلمه بیدین نیز از مصدر «ابداء» و ریشه «بدو» به معنای ظهور است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق). ذیل ماده بدو). در نتیجه کلمه «بیدین» با ساختار نهی آن به معنی آشکار نکردن است. و اما این که مراد از زینت زنان در این جا چیست، چندین دیدگاه وجود دارد: بنا به نظر برخی مفسران، منظور مواضع زینت است با این استدلال که اظهار خود زینت از قبیل گوشواره و دست بند حرام نیست، پس مراد از اظهار زینت، اظهار محل آن‌ها است (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۱۱). به نظر بعضی دیگر از مفسران منظور خود زینت است، لیکن نه زینت آلات به تنهایی، بلکه زینتی که روی بدن قرار گرفته باشد. طبیعی است که آشکار کردن چنین زینتی توأم با آشکار کردن اندامی است که زینت بر روی آن قرار دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۳۹). بعضی از مفسران معتقدند زینت بر دو قسم است؛ یکی زینت ذاتی؛ یعنی زینتی که همراه با آفرینش انسان به وی داده شده است؛ مثل صورت زیبا. دوم زینت اکتسابی؛ مثل زینت‌هایی که خریداری می‌شود و بر روی بدن قرار می‌گیرد؛ مانند لباس‌های زیبا، زیورآلات و آرایش‌های مصنوعی که صورت می‌گیرد (ابن عربی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۳۶۸).

به نظر می‌رسد محتوای مجموع این دیدگاه‌ها یکسان باشد، لیکن اگر بنا باشد ترجیحی

صورت گیرد، روی آن با کلام علامه طباطبایی است که مورد تأیید روایات فقهی نیز است. بر اساس هر دو دیدگاه، اگر زنی زیورآلاتی داشته باشد و در دست گرفته و به مردی نشان دهد و یا برای مثال النگو را در دست کند، اما روی روپوش قرار دهد، مانعی ندارد. همان طور که مرسوم است ساعت را روی ساق دست قرار می دهند. به هر صورت برخی از مصادیق حجاب در روزگار حاضر، خود نوعی زینت است که نباید در منظر عمومی قرار گیرد.

عبارت «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» در آیه، زینت را به دو قسم نهران و پنهان معرفی می کند. در توضیح این بیان باید گفت که زینت ها در مجموع چند صورت دارند: الف) زینت های ذاتی و جسمانی که خود بر دو قسم است: بخشی که به طور عادی آشکار است؛ مثل صورت و دست ها تا مچ و پاها و بخشی که به طور عادی پنهان است؛ مثل گردن، سینه و بازوها. ب) زینت مصنوعی. ج) محل زینت به تنهایی. د) محل زینت که مزین به زیورآلات شده است. حال باید دید کدام یک از این ها مصداق «ما ظهر» است. تعیین مصداق تنها با روایات قابل حل است که در ذیل به چندین مورد از آن ها اشاره می کنیم:

۱. فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام سؤال می کند که آیا ذراع (از مچ تا بازو) زن جزو زینتی است که خداوند در این آیه فرمود؟ امام علیه السلام پاسخ داد: آری ذراع جزو زینت است و ما بین سر و گردن که با خمار پوشیده می شود و محل دست بند نیز جزو زینت است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲).

۲. زراره از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه نقل می کند: «الزَّيْنَةُ الظَّاهِرَةُ الْكُحْلُ وَالْحَنَاطِمُ»؛ یعنی زینت آشکار مثل سرمه کشیدن و انگشتر است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲).

۳. در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که راوی از آن حضرت می پرسد: دیدن چه مقدار از بدن زن برای مرد نامحرم حلال است؟ امام فرمود: صورت، دو دست تا مچ و پاها (از انگشت تا مفصل) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲). این قسمت های سه گانه به طور معمول آشکار است و تقریباً عموم زنان، آن را آشکار می کنند.

در این سه روایت که به لحاظ سندی، اولی صحیح، دومی موثق و سومی به خاطر ارسالش ضعیف است، به موارد ممنوع از محل زینت؛ یعنی محل گوشواره، گردنبند و دستبند اشاره شده و

زینت‌های مصنوعی چون سرمه و انگشتر را معرفی می‌کنند. همچنین در این روایات به موارد مجاز چون صورت، دست و پا اشاره شده است که محدوده جواز آشکار شدن بدن زن را معلوم می‌کند.

۳.۵.۴. پوشاندن سر و سینه

یکی از دستورات حجاب در این آیات، پوشاندن سر و سینه زنان است که در عبارت «وَلْيَضْرِبْنَ خُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» بیان شده است. راغب اصفهانی در معنی واژه خمر می‌گوید که اصل آن پوشاندن چیزی است و به هر چیزی که با آن و به وسیله آن پوشانده می‌شود، خمار گفته می‌شود. ولی خمار در سخنان معمولی اسمی است برای روپوشی که زنان سر خود را با آن می‌پوشانند و جمع آن خُمُر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق. ذیل ماده خمر). واژه «جیوب» نیز جمع «جیب» و به معنی یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می‌شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۴۰). چیزی که از معنای کلمه خمر و جیوب فهم می‌شود این است که خمر وسیله‌ای برای حفظ پوشش سر و گردن در برابر مردان نامحرم است.

۴.۵.۴. تأکید بر حفظ حجاب همراه با استثنا

این آیه زنان را در دو عبارت «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» و «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ...» از آشکار کردن زینت نهی کرده است. با این تفاوت که در جمله اول پوشیدن زینت آشکار را در برابر عموم مردان استثناء کرده و در عبارت دوم رعایت حجاب زن در برابر گروه خاصی از مردان استثناء شده است. در این جا زنان مجاز به آشکار کردن زینت خود در برابر بیش از ده گروه از مردان هستند که موارد مستثنی به ترتیب مذکور در آیه به این شرح است:

۱. شوهران: «إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ».
۲. پدران: «أَوْ آبَائِهِنَّ».
۳. پدر شوهر: «أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ».
۴. پسران: «أَوْ أَبْنَائِهِنَّ».
۵. پسران شوهر: «أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ» و این هنگامی است که مرد دارای همسر همزمان و یا همسر قبلی باشد و از آن همسر دارای فرزند باشد.

۶. برادران: «أَوْ إِخْوَانِهِنَّ».
۷. پسر برادر: «أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ».
۸. پسر خواهر: «أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ».
۹. زنان هم‌کیش: «أَوْ نِسَائِهِنَّ» و این بدان معنی است که زنان مؤمن نباید جلو زنان غیرمؤمن خود را مکشوف کنند.
۱۰. کنیزان: «أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ».

۱۱. سفیهان که تمایلی به زنان ندارند: «أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْتِبَةِ مِنَ الرِّجَالِ».

۱۲. کودکانی که از امور جنسی آگاهی ندارند: «أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يُظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ».

باید توجه داشت که بر اساس آیات دیگر، محارم رضاعی (محرمیت‌هایی که به واسطه شیرخوردن پدید آمده) نیز در حجاب مستثنی هستند. چنان‌که خداوند فرمود: «أُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ...» (نساء: ۲۳) که در جای خود باید بحث شود.

با مرور در آیه به خوبی روشن می‌شود که افراد محرم که کشف حجاب در برابر آنان جایز است، یکسان نیستند، بلکه به چند گروه تقسیم شده‌اند: الف) محارم نسبی که به خاطر پیوند ذاتی محرمند و آن‌ها عبارتند از: موارد ۲، ۴، ۶، ۷ و ۸. ب) محارم نسبی که به خاطر پیوند زناشویی و به صورت عَرَضِي محرم شده‌اند و آنان عبارتند از: موارد ۱، ۳ و ۵. ج) گروه سوم کسانی هستند که به دلایل متفرقه چون همجنس بودن، خریداری، سفاهت و صغیر بودن، نگاه کردنشان جایز است.

نهی از آشکار کردن زینت در موارد نهم و دهم که از جنس زنان هستند، نه به دلیل نامحرم بودن آنان است که محرم و نامحرم بین زن و زن معنی ندارد، بلکه به دلیل رعایت امنیت آنان است؛ زیرا این زنان، خیر را برای شوهران و اربابانشان می‌برند و در آنان طمع ایجاد می‌کنند.

۴.۵.۵. اصلاح راه رفتن

پنجمین حکم حجاب در آیه این است که زن نباید به گونه‌ای راه برود که زینتش آشکار شود. خداوند در این باره می‌فرماید: «لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ». لازم به ذکر است کلمه ضرب در ادبیات عرب، فعل متعدی است، ولی نیازی به تعدی به حرف جر

ندارد، اما با توجه به بیان متعلق آن معانی مختلفی پیدا می‌کند؛ به عنوان مثال اگر همراه با «باء» باشد مثل *صَّرَبَهُ بِسَيْفٍ* یا *فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ* (شعراء: ۶۳) به معنی زدن و نیز اشاره کردن، اگر با *فی* همراه باشد، مانند آیه *إِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ* (نساء: ۱۰۱) به معنای در، اگر با *مع* همراه باشد مثل *صَرَبْتُ مَعَ الْقَوْمِ بِسَهْمٍ* به معنی مشارکت و اگر با *علی* همراه باشد مثل *صَرَبْتُ عَلَيَّ يَدَيْهِ* به معنی محجور کردن است که در این آیه شریفه همراه باء است. در این که مراد از *ضرب* به *أرجل* که موجب آشکار شدن زینت می‌شود چیست؟ برخی نوشته‌اند مراد این است که زن پاهای خود را به هم می‌زند تا صدای خلخال (زیوری به شکل حلقه فلزی که زنان بر مچ پای می‌بندند، همانند النگو که به دست بسته می‌شود) وی شنیده شود. این کار اگر برای شادی خود زن باشد، مکروه و اگر برای تبرج و اعلام به مردان باشد، حرام است (ابن العربی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۳۷۶). برخی دیگر می‌گویند این عبارت یعنی زن به گونه‌ای راه برود که صدای خلخال پاهایش شنیده شود. زیرا اسماع (شستوانیدن) صوت زینت، همانند آشکار کردن آن بلکه شدیدتر از آن است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۲، ص ۲۳۷). بعضی دیگر از مفسران نیز معتقدند معنا، محکم و شدید راه رفتن (یعنی پا بر زمین کوبیدن) زن و راه رفتن زن با ناز و کرشمه و برای مباحثات کردن است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۱۷۰). این مفسر سپس می‌افزاید تحریک شهوت از شنیدن صدای این زینت به این شکل، بیشتر از نگاه به زینت است (همان).

بیان این مطلب متین است، اما انحصار صوت زینت به صدای خلخال، دلیلی ندارد. به خصوص این که پای کوبی تنها باعث آشکار شدن زینت بسته بر پا نمی‌شود، بلکه معلوم شدن زیورآلات بسته شده بر گوش، گردن، دست و پا، موجب نمایش مفاتن (مواضع تحریک آمیز) بدن نیز می‌شود. از این رو دیدگاه علامه طباطبایی بهتر به نظر می‌رسد که می‌گوید: «زن نباید پاهای خود را محکم به زمین بزند تا صدای زیورآلاتش از قبیل خلخال، گوشواره، گردنبند و دستبند درنیاید» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۱۲).

۴، ۵، ۶. راز اهتمام بیشتر به زنان

از اقتران دو آیه «غَضَّ بَصَرٌ» معلوم شد که رعایت نگاه و فرو بستن چشم منحصر به زنان

نیست، بلکه مردان نیز باید مواظب نگاه خود باشند. ممکن است در مواردی تأکید بیشتری بر حجاب زنان شده باشد، اما این نشانه تبعیض میان زن و مرد نیست و تنها به این دلیل است که زن نماد زیبایی و جمال آفرینش است و در کنار زیبایی ظاهری، دارای احساسات لطیف (زیبایی باطنی) است. از آن جا که خود زن تمایل بیشتری به تبرج و خودنمایی دارد در صورت عدم پوشش، در معرض سوء استفاده مردان قرار می‌گیرد؛ از این رو طبیعی است که بیش از مردان مورد توجه شارع قرار گیرد. فلسفه حجاب افزون بر پاکیزگی درونی و فردی، جامعه را نیز پاک و طیب می‌کند و این امر موجب امنیت اجتماعی می‌شود که هم به سود فرد و هم به سود جامعه خواهد بود، چنان‌که خداوند می‌فرماید: «ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ».

۶.۴. آیات استیذان ممیز و بالغ

قرآن کریم برای هر کاری، آدابی را معین کرده است. در این آیات نیز خداوند به استیذان ممیز و بالغ اشاره می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (نور: ۵۹-۵۸)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز، هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت کنید). این‌گونه خداوند آیات را برای

شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان‌گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند، اجازه می‌گرفتند؛ این چنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند و خدا دانا و حکیم است.

۱.۶.۴. اذن گرفتن فرزندان

این آیه شریفه گرچه مربوط به موضوع بلوغ فرزندان و احکام ورود بر پدر و مادر است و باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرد، اما به نوعی با رعایت حجاب در درون خانه مرتبط است. فرزندان که به حد بلوغ (جنسی) نرسیده‌اند، نباید در حال استراحت پدر و مادر بدون هماهنگی بر آن‌ها وارد شوند. از نسبت این حکم به افراد نابالغ چنین استنباط می‌شود که به طریق اولی نسبت به افراد بالغ، این حکم، جاری و ساری است، چنانکه در این آیه آمده است: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا...». این‌گونه نیست که همه فرزندان حتی کودکان مثلاً دو سه ساله که از مسائل جنسی و شهوانی سر در نمی‌آورند، مشمول این حکم باشند، بلکه مراد فرزندان هستند که به اصطلاح ممیزند و تا حدی بدی و زشتی را تشخیص می‌دهند؛ لذا خداوند فرمود: «عَوْرَاتٍ لَكُمْ». به نظر می‌رسد والدین باید با توجه به درکی که از فرزندان خود دارند، رعایت منظر و حضور آنان را بکنند.

۲.۶.۴. وظایف متقابل والدین و فرزندان

گرچه به صراحت قرآن کریم، فرزندان نباید در حال استراحت والدین بدون هماهنگی بر آنان وارد شوند، اما از مفهوم آیه به خوبی در می‌بایم که والدین حق ندارند جلوی فرزندان خود عریان باشند و به اصطلاح قرآن، عورت خود را حفظ کنند (عَوْرَاتٍ لَكُمْ). عورت در لغت به معنی نگاه به قبیح و زشت است. لغت‌شناسان می‌گویند موضعی که انسان عار از نگاه دیگران دارد و هر چیزی که انسان از دید دیگران مستور می‌دارد، عورت است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ذیل ماده عار). بنابراین چون در آن هنگام خاص، والدین لباس عادی خود را از تن کنده‌اند (تَصَعُّونَ ثِيَابَكُمْ)، خوشایندشان نیست که دیگران حتی فرزندانشان بدان نگاه کنند. به گفته برخی مفسران، وضع ثیاب یا کندن لباس، کنایه از حالتی

است که دوست نمی‌دارند اجنبی آنان را ببینند (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۶۳).

۴.۶.۳. مشترک بودن زن و مرد در حکم

تعبیر در دو آیه شریفه با الفاظ مذکر بیان شده است. در این جا ممکن است شبهه شود که با توجه به کار بست مذکر در آیات، پس زنان و دختران از این قانون مستثنی هستند و موظف به رعایت هیچ حق و تکلیفی نیستند! در پاسخ باید گفت این بحث گسترده است که باید در جای خود بررسی شود، اما به اجمال باید گفت که این‌گونه نیست که حکم مختص جنس مذکر باشد و جنس زن اعم از دختران و زنان حکم دیگری داشته باشند؛ زیرا بر اساس قاعده اشتراک در تکلیف و بر پایه فرهنگ ادبی قرآن و روایات در مواردی که دلیلی بر اختصاص حکم به جنس خاصی نباشد، آن حکم و یا حق، مشترک بین زن و مرد خواهد بود. دلیل دوم نیز در ادبیات عرب، طفل، لفظ مشترک بین مذکر و مؤنث است و اختصاصی ندارد، از این جهت نیز حکم مشترک است.

۴.۶.۴. دستیابی به قانون کلی

از این دو آیه برداشت می‌شود که احکام پسران نابالغ با پسران بالغ در اجازه گرفتن برای ورود به اتاق دیگران متفاوت است؛ پسران بالغ باید همانند بزرگسالان در همه اوقات برای ورود به اتاق اجازه بگیرند و دین اسلام حکم این دو گروه را یکسان دانسته است، اما در این حکم، اجازه به پسران نابالغ به دلیل عدم تکامل و بلوغشان در ابعاد مختلف و نیاز مداوم به پدر و مادر فقط در سه زمان استثنا شده است. در روایتی از علی علیه السلام آمده است: «شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و پرسید: آیا وقتی می‌خواهم نزد مادرم بروم، باید اجازه بگیرم؟ حضرت فرمود: آری، گفت: چرا یا رسول الله؟ حضرت فرمود: آیا خوشحال می‌شوی وقتی وارد شدی، او را عریان ببینی؟ گفت: نه. فرمود: پس با اذن و اطلاع وارد شو» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۶۶۴). رعایت احتیاط در برخورد حتی با محارم در ادامه روایت مذکور، آمده است که آن مرد افزود: یا رسول الله گیسوان خواهرم جلو من مکشوف می‌شود! آیا نگاهش کنم؟ فرمود: نه، گفتم: چرا؟ فرمود: بیم آن دارم که اگر از زیبایی‌ها، مو و دستان وی آشکار شود به درگیری [مبارزه برای کام‌گیری] منجر شود» (همان). این روایت ارشاد به این است که روابط صمیمی و رابطه نزدیک پسر و دختر، حتی اگر

خواهر و برادر باشند، بسیار خطرناک است و ممکن است کار به جاهای باریک و ناخواسته کشیده شود، چنانکه در روایت دیگری این‌گونه تعبیر شده است که «أَنْ يَسْتَفْرِكَ الشَّيْطَانُ»؛ شیطان تو را ریشه کن کند (همان). وگرنه بر اساس آیات قرآن، خواهر و برادر می‌توانند بدون نگاه هوس‌آلود، یکدیگر را ببینند.

با دقت و تدبیر در آیه و روایت می‌توان به یک قانون کلی دست یافت. بدین معنی که وجوب استیذان در آیه گرچه مربوط به اطفال و والدین است، اما ملاک آن کلی است؛ بنابراین برای همه افراد لازم و جاری است. به بیان شهید مطهری در این دو آیه یک استثناء وجود دارد و آن قانون کسب اجازه در وقت ورود به اتاق دیگران است؛ بدین معنی که هرکس می‌خواهد وارد محل خلوت دیگری شود باید اعلام کند و با کسب اجازه وارد شود و این دستور حتی برای محارم نزدیک مانند، پسر نسبت به مادر و پدر نسبت به دختر نیز جاری است (ر.ک مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۵۰-۱۴۹).

۵. گام‌های قرآن در سیر تشریح حجاب

با توجه به این مراحل، تشریح احکام چه در موضوع حجاب و یا سایر موضوعات دیگر باید بر اساس ترتیب نزول بررسی شود نه ترتیب موجود در قرآن. بنابراین ابتدا باید ترتیب نزول آیات حجاب مشخص شود. با توجه به گزارش‌های تاریخ قرآن، سوره احزاب در ترتیب نزول، سوره نود و سوم قرآن و سوره نور یکصد و سومین سوره قرآن و هر دو از سوره‌های مدنی هستند، در نتیجه نزول سوره نور پس از سوره احزاب است.

۱.۵. گام‌های هشت‌گانه

با مرور در آیات حجاب و ترتیب نزول آن‌ها، معلوم می‌شود که از آغاز طرح مسأله حجاب تا زمان تشریح آن، چندین گام برداشته شده که به شرح زیر است:

- گام اول: کلید خوردن مسأله حجاب از داخل خانه پیامبر ﷺ با نهی زنان آن حضرت از سخن گفتن با ناز و کرشمه: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ».

إِن اتَّقَيْنَنَّ فَلَاحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعِ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿احزاب: ۳۲﴾.

- گام دوم: کنترل رفتار زنان پیامبر ﷺ با نهی آنان از تبرج: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (احزاب: ۳۳).

- گام سوم: صیانت از همسران پیامبر ﷺ با سفارش به مردم در برخورد با آنان: ﴿إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ (احزاب: ۵۳).

- گام چهارم: یکسان سازی زنان جامعه با زنان پیامبر ﷺ با بیان لزوم پوشیدن مقنعه و چادر به دلیل حفظ حرمت و امنیت خودشان: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾ (احزاب: ۵۹).

- گام پنجم: سفارش به چشم فرو بستن مردان از نگاه به زنان: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ (نور: ۳۰).

- گام ششم: سفارش به چشم فرو بستن زنان از نگاه به مردان: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...﴾ (نور: ۳۱).

- گام هفتم: کنترل نوجوانان ممیز و ملزم کردن آنان به اجازه گرفتن، هنگام ورود بر والدین: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنُوا...﴾ (نور: ۵۸).

- گام هشتم: کنترل جوانان و بزرگسالان با ملزم کردن آنان به استیذان از والدین، هنگام داخل شدن بر آنان در محل استراحت: ﴿فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (نور: ۵۹).

ملاحظه می شود که موضوع حجاب، ابتدا از خانواده پیامبر ﷺ شروع شد، پس از آن به درون جامعه تعمیم یافت و سپس به درون خانه مؤمنین ختم شد. بنابراین آیات هشتگانه حجاب را می توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول؛ آیات خطاب به جامعه ایمانی. دسته دوم؛ آیات مشترک میان خانواده پیامبر ﷺ و مردم. دسته سوم؛ آیات خطاب به همسران پیامبر ﷺ.

۲.۵. ویژگی‌های احکام قرآنی

با نگاهی کلان به احکام حجاب قرآنی آشکار می‌شود که تشریح حجاب دارای چند ویژگی است:

۱. با توجه به ترتیب نزول دو سوره، فرمان رعایت حجاب در سال پنجم هجری صادر شده است و این بدان معنی است که در فرایند تشریح احکام، تشریح حکم حجاب، پس از تشریح احکام عبادی، حقوقی، جزایی، کیفری، سیاسی، جهادی و... صورت گرفته است.
۲. از ترتیب نزول آیات و سوره‌های قرآن و تقسیم سوره‌ها به مکی و مدنی، چنین استنباط می‌شود که در مکه سخن از حجاب نبوده و تشریح آن در مدینه صورت گرفته است.
۳. در فرایند تشریح حجاب، حکم جلباب (چادر و حجاب سراسری) قبل از حکم خُمر (مقنعه و روسری) است که پوشش از یک قطعه به قطعات متعدد افزایش یافته است. در حقیقت حکم حجاب، سیر صعودی از آسان به دشوار را پیموده و ویژگی تدریجی بودن در آن رعایت شده است.
۴. نکته قابل توجه در تشریح حکم حجاب، این است که خداوند منفعت و حکمت آن را بیان می‌کند، چنان‌که در قرآن آمده است: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲)؛ یعنی رعایت این امر موجب کنترل شهوت انسان‌های هوسران در زنان می‌شود. همچنین خداوند در آیه «ذَلِكُمْ أَظْهَرَ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب: ۵۳) فرموده است که این نسخه شفابخش برای قلب‌های سائل و مسئول تأثیرگذارتر است و در آیه «ذَلِكُمْ أَرْكَامٌ لَّهُمْ إِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» (نور: ۳۰) فرموده است که فواید رعایت حجاب و عفاف به خود شما باز می‌گردد.
۵. بر اساس آموزه‌های ثقلین، قرآن به اصل تشریح و احکام کلی حجاب پرداخته است و ائمه معصومین علیهم‌السلام به تبیین جزئیات و بیان مصادیق آن مبادرت کرده‌اند.
۶. توصیه‌های حجاب در قرآن چون پرهیز از چشم‌چرانی، پنهان‌نگه داشتن زینت، پرهیز از نرمی در سخن، نفی تبرج و... به نوعی نفی افراط و تفریط است؛ به این معنی که اسلام نمی‌گوید زن باید به طور مطلق از خانه بیرون نرود و یا به هر شکل دلخواه و با خودنمایی

در منظر عموم ظاهر شود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصیت به امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «با پوششی که بر آنان قرار می‌دهی دیده آنان را از دیدن مردمان بازدار. زیرا سختی حجاب، آنان را پاک‌تر نگاه می‌دارد، و بیرون رفتن زنان از خانه بدتر از این نیست که افراد غیرمطمئن را بر آنان درآوری، و اگر بتوانی چنان کن که غیر تو را نشناسند، اموری که در خور توان زنان نیست به دستشان مسپار، زیرا زن گلی است ظریف، نه خادم و کارپرداز» (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰۵).

از این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام به یک توصیه ارشادی دست می‌یابیم که با توجه به جایگاه ویژه زن در آفرینش، پرهیز وی از اموری که در شأن و جایگاهش نیست، بهتر است؛ زیرا جنس زن (نه تعدادی استثنایی) به تعبیر آن حضرت، همانند گلی ظریف است، نه کارگر و کارمند در فعالیت‌های شاق و طاقت‌فرسا مانند طلا که با همه زیبایی و ارزشی که دارد، نمی‌تواند به عنوان ستون در ساختمان به کار گرفته شود، اما آهن گرچه در مقایسه با طلا ارزش چندانی ندارد از عهده این کار بر می‌آید. ضمن این‌که زن مجاز است برای امور مناسب و متناسب در اجتماع ظاهر و حاضر شود و با شرایط ویژه، دوشادوش مردان به فعالیت‌های اجتماعی بپردازد.

۷. تشریح حکم حجاب برای زنان و مردان جامعه‌ی ایمانی است که بر اساس قواعد اصولی و فقهی، واجب و ترک آن معصیت است. از این جهت حکم حجاب با دیگر احکام فقهی اسلام تفاوتی ندارد، بلکه از مسلمات دین اسلام است، اما این‌که انتخاب حجاب می‌تواند آزاد باشد تا هرکس بخواهد رعایت کند و هر کس نخواست، سبک دیگری را برگزیند و یا این‌که باید اجباری باشد و همه در محیط‌های مختلف زندگی اعم از خانه، محل تحصیل، اداره، سطح شهر و ... موظف به رعایت آن باشند و همچنین به عنوان مقوله قابل امر به معروف و نهی از منکر، افراد متدین مجاز به تذکر باشند و یا گروه ویژه‌ای بر رعایت آن نظارت داشته باشند، امری دیگری است. به عبارت دیگر باید بین وجوب یک عمل و اجباری بودن آن تفاوت قائل شد. یک عمل ممکن است واجب باشد، اما اجباری نباشد؛ مثل نمازخواندن و روزه گرفتن. البته نمازخواندن با رعایت حجاب

قابل مقایسه نیست، چون نماز موضوعی فردی و حجاب اجتماعی است. این مقوله نیاز به پژوهش مستقل دارد، هرچند به نظر می‌رسد روح تشریح حکم حجاب، افزون بر التزام فردی، افراد را به سمت التزام نسبی (نوعی ستر و پوشش) رهنمون می‌کند؛ زیرا این مسأله همان‌گونه که اشاره شد از سنخ حقوق مدنی است و از سوی دیگر ترک آن موجب فساد در جامعه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

با مرور آیات مربوط به حجاب و مطالعه تفاسیر آن می‌توان موارد زیر را در خصوص اهمیت مسأله پوشش و حجاب، اصل تشریح و سیر تکمیلی آن به عنوان نتیجه پژوهش بیان کرد:

۱. تشریح حجاب در دو سوره نور و احزاب که هر دو مدنی هستند، در سال پنجم هجری رخ داده و با برداشتن چندین گام به حکم نهایی رسیده است. سیر تشریح حجاب از خانواده پیامبر ﷺ آغاز شد و بعد به درون جامعه تعمیم یافت و در نهایت به خانه مؤمنان منتهی شد.

۲. قرآن کریم در عمده‌ترین آیات مربوط به حجاب با نهی از گفتگو با ناز و کرشمه و خودنمایی زنان، زمینه روابط نامشروع را مسدود کرده است.

۳. حجاب مطلوب قرآنی این است که زن نباید برهنه یا نیمه برهنه در جوامع حضور یابد، بلکه با استفاده از ابزاری چون مقنعه، روسری و چادر، امنیت فردی و سلامت اجتماعی را تأمین کند.

۴. از نظرگاه قرآن حجاب تنها مختص به زنان نیست، بلکه مردان نیز باید آن را رعایت کنند. همچنین این حکم به یک گروه یا یک طبقه خاص از زنان اختصاص نیافته، بلکه همگان ملزم به رعایت آن هستند.

۵. از نظر قرآن کریم، حکمت حجاب، تأمین امنیت فردی و اجتماعی است که این مهم را با تعبیری چون «أَظْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» و «أَزْكَىٰ لَهُنَّ» بیان کرده است.

۶. در فرهنگ قرآن، مقولاتی چون فروستن چشم توسط زن و مرد، پرهیز از آشکار

کردن زینت زن، پوشاندن سر و سینه، گریبان و یقه توسط زن و نیز صیانت زن و مرد از نگاه طفل ممیز و استیذان برای ورود به استراحتگاه والدین، مجموعه مفاهیم حجابی را تشکیل می‌دهند.

۷. در نگاه نهایی قرآن، حجاب یک حکم فردی و حریم خصوصی نیست تا متعلق به آزادی باشد، بلکه یک امر التزامی و الزامی است و مقایسه آن با واجبات دیگر که بیش تر جنبه فردی دارند، قیاس نابه جا است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی،
- نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان.
۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهاییه فی غریب الحدیث و الآثار*، تصحیح محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، چاپ چهارم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
 ۲. ابن عاشور، محمد طاهر، *التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
 ۳. ابن عباس، عبدالله، *غریب القرآن فی شعر العرب*، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافی، ۱۴۱۳ق.
 ۴. ابن عربی، محمد بن عبدالله، *احکام القرآن*، تحقیق علی محمد بجای، بیروت: دار الجیل، ۱۴۰۸ق.
 ۵. ابن فارس، احمد بن فارس. *معجم مقاییس اللغة*، تصحیح عبد السلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
 ۶. ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
 ۷. بروجردی، آقا حسین، *جامع احادیث الشیعه*، تصحیح جمعی از مؤلفان، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
 ۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، *تاج اللغة و صحاح العربیة*، تصحیح احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۷۶.
 ۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
 ۱۰. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
 ۱۱. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه علمی، ۱۳۹۰.
 ۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
 ۱۳. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، مؤسسه تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۲.
 ۱۴. قراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
 ۱۵. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر*، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
 ۱۶. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
 ۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
 ۱۸. مطهری، مرتضی، *مسأله حجاب*، چاپ پنجاه و دوم، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۹.
 ۱۹. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران: بی تا.
 ۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.